روزنامه شرق

دوشنبه ۲۸ آذر ۱۴۰۱ • ۲۴ جمادی‌الاول ۱۴۴۴ • ۱۹ دسامبر ۲۰۲۲ • سال بیستم • شماره ۴۴۵۰ • ۱۲ صفحه • ۱۰۰۰۰ تومان

آیا روحانی و لاریجانی به فکر بازگشت به سیاست هستند؟

درحالی‌که گمانه‌زنی‌ها درباره حضور چهره‌های سیاسی در انتخابات مجلس آینده آغاز شده، چالش و احتمال مشارکت حداقلی مردم می‌تواند حساسیت‌زا باشد؛ اما اقدامات کافی برای افزایش اعتماد عمومی و بازگشت امید به تغییر از طریق صندوق‌های رأی انجام نشده است...

صفحه ۲

گفت‌وگو با بهروز غریب‌پور درباره مسیر کاری زنده‌یاد بهزاد غریب‌پور

جانش را در قلم می‌گذاشت تا اثری جاودانه خلق کند

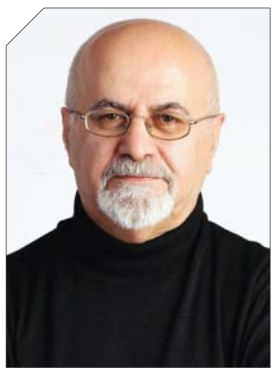

بهناز شیربانی: زنده‌یاد بهزاد غریب‌پور تصویرگر و گرافیست ۲۲ آذر در غربت درگذشت. هنرمندی بی‌مانند در حیطه فعالیتش که در سال‌های اخیر شرایط سخت بیماری کم‌کارترش کرده بود. بهروز غریب‌پور نویسنده، کارگردان تئاتر و سینما و برادر زنده‌یاد بهزاد غریب‌پور در گفت‌وگو با «شرق» به ابعاد مختلف زندگی این هنرمند اشاره کرد...

صفحه ۱۱

در «شرق» امروز می‌خوانید: قبرستان‌های تهران؛سنگ‌ها و سوزها، حمل‌ونقل عمومی تهران محرمانه شد، پیگیری وضعیت تـ انه علیدوستی مقابل زندان اوین و یادداشت‌هایی از بابک زمانی، اردوان امیراصلانی، محمدجواد لسانی

خدای «دیگو» با «لئو» بود

صفحه ۹

عکس: Gettyimages

سرمقاله

چرا دستورها کار نمی‌کنند؟

حجت میرزایی

دستورهای تریبونی در بازدیدها و سخنرانی‌ها به بخشی از فرهنگ سازمانی دولت تبدیل شده است. «درجا و سریع دستوردادن» و دستوردادن برای «اقدامات سریع و تند» بخشی از این فرهنگ و رویه شده است؛ فرهنگی که قرار است دولت مردمی و میدانی و دولت عمل (بخوانید دولت دستورهای سریع) را از دولت‌های نشسته و کارتابلی، ممتاز و متمایز کند. شدت و غلظت قیدهای زمانی و تأکیدی این دستورها و هیجان صدور آنها پشت تریبون‌های رسمی یا در بازدیدهای میدانی روزبه‌روز بیشتر و بیشتر می‌شود؛ اما با وجود آنکه بخشی از این دستورها پیش یا پس از صدور تریبونی به بخش‌نامه و دستورالعمل رسمی از سوی کارگزاران دولت تبدیل می‌شود؛ اما بخش بزرگی از آنها در همان فضای هیجانی تریبون و بازدید می‌ماند و بیشتر بخش‌نامه‌ها و مصوبات هم روی کاغذ بی‌آنکه به تصمیم و اقدامی برسند، جان می‌دهند. یک پرسش ساده و همگانی این است که «چرا دستورها کار نمی‌کنند؟». چرا بانک‌های تجاری در پذیرش متقاضیان مسکن ملی و پرداخت وام‌های ازدواج و فرزندآوری همکاری نکردند؟ چرا قیمت کالاها و ارز از دستورها پیروی نکرد؟ چرا حتی شرکت دولتی مخابرات زیر بار مصوبه و احکام شدید و غلیظ شورای رقابت نرفت و آبونمان خط تلفن ثابت را با افزایش ۹ برابری و محاسبه معوقه‌ها از شهریورماه از میلیون‌ها مشترک دریافت کرد و حتی با قلدری در مقابل حکم محکومیت از سوی شورای رقابت خطوط تلفن این شورا را بست و در پایان هم با پادرمیانی وزیر ارتباطات تعرفه جدید تثبیت شد؟ چرا همچنان روند تعطیلی و تملک بنگاه‌های اقتصادی بدهکار بانکی ادامه دارد؟ چرا مصوبات و دستورات مؤکد تأسیس پتروشیمی میانکاله با مداخله نهادهای زیست‌محیطی ملی و محلی متوقف شد؟ صدور پیاپی دستورهای تحکم‌آمیز و با قیدهای تند و سریع بدون توجه به این ملاحظات به بی‌اعتباری دستورها و بی‌اعتباری نهاد دولت منجر می‌شود و پاسخ به چرایی بی‌اثربودن دستورهای تریبونی و میدانی دولت، بخشی از آسیب‌شناسی «نهاد دولت» برای اصلاح رویه‌های حکمرانی و سیاست‌گذاری است. اثربخشی سیاست‌های دولت برای تحقق اهداف توسعه‌ای یکی از شش مؤلفه اصلی حکمرانی خوب و معیار مهمی برای سنجش و مقایسه ساختار و کارکرد دولت‌ها در دنیای امروز است. از سوی دیگر دستورها و احکام الزام‌آور برای سازمان‌های وابسته به دولت، بخشی از ابزارهای متعارف سیاست‌گذاری دولت‌ها هستند. بالاترین سطح الزامات دستوری و فرماندهی در سازمان‌های نظامی و امنیتی است؛ اما سیاست‌گذاری اقتصادی برای تغییر یا اصلاح رفتار کارگزاران بخش خصوصی (خانوارها و بنگاه‌های اقتصادی) و حتی بنگاه‌های اقتصادی بخش عمومی غیردولتی مانند برخی بانک‌ها و بنگاه‌های وابسته به صندوق‌های بازنشستگی و بنیادها با دستور غیرممکن و نیازمند برقراری مشوق‌های مالی و غیرمالی و در موارد محدودی تنبیه و اعمال محدودیت (مانند کاهش یا قطع رانت‌ها یا محدودیت فعالیت‌ها) است؛ بنابراین دامنه دستورات و سطح الزام و قیدهای زمانی اجرای آنها پیش و بیش از هر دستوری بسته به شناسایی مخاطبان این دستورها و امکان‌سنجی‌های فنی، قانونی، اقتصادی و مالی و اجرائی و نیز بررسی آثار و پیامدهای کوتاه و بلندمدت اجرای این دستورهاست؛ اما اینکه چرا ماشین پرکار دستورپردازی دولت کار نمی‌کند، ریشه در یکی یا همه عوامل زیر دارد:

- غیرکارشناسی‌بودن دستورها و شتاب‌زدگی و هیجان در دستورپردازی که امکان‌پذیری آنها را کاهش می‌دهد یا با نقدهای وسیع کارشناسان یا مخالفت افکار عمومی متوقف می‌شود. این دستورات از مدیران کم تجربه و دانش اما با تصور دانایی و قدرت بسیار دیده می‌شود؛ همچنین تعداد زیادی مدیران نظامی در سازمان‌های بوروکراتیک و تکنوکراتیک و بنگاه‌های اقتصادی منجر به اشتباه‌گرفتن عرصه سیاست‌گذاری اقتصادی با فرماندهی و دستورپردازی نظامی در پادگان‌ها شده است.

- پرهزینه‌بودن دستورها برای بنگاه‌ها و سازمان‌های اقتصادی خصوصی در کنار منافع سیاسی و اجتماعی دولت، بی‌آنکه دولت با بهره‌گیری از منافع آن در هزینه‌ها یا جبران ریسک مشارکت کند. به طور مثال درحالی‌که نرخ سود بین بانکی به ۲۱ درصد و نرخ اوراق دولتی گام به ۳۲ درصد رسیده، با چه منطقی بانک‌ها باید با دستور وزیر اقتصاد یا وزیر راه و شهرسازی وام‌های ۱۸درصدی بدون ضمانت پرداخت کنند؟

- نبودن افق و چشم‌انداز بلندمدت در اقتصاد که اجرای دستورات را در یک برنامه آینده‌نگر موجه نشان دهد، در کنار کوتاهی عمر دولت و دستوردهندگان و دامنه‌داربودن آثار و پیامدهای اجرای دستورات.

- هزینه‌های قضائی اجرای دستورات و محافظه‌کاری کارگزاران اقتصادی؛ نمونه‌های زیاد و متعددی از پیگردهای قضائی و مجازات مدیران دولتی میانی و مدیران بنگاه‌های اقتصادی بخش عمومی غیردولتی و حتی بخش خصوصی به خاطر اجرای دستورات، بخش‌نامه‌ها و حتی قوانینی که موارد نقض و نسخ دارند، به امری بازدارنده در اجرای تصمیمات منجر شده است.

- اختلافات سیاسی و حزبی مدیران؛ با وجود یکدستی جناحی کارگزاران دولت با دو قوه دیگر و سایر نهادهای مؤثر و تعیین‌کننده در اقتصاد، عرصه سیاست‌گذاری دولتی به عرصه اختلافات و رقابت‌های قدرت درون دولت در سطوح مختلف تبدیل شده و اجرای بسیاری از دستورها را ناممکن کرده است.

هرچه باشد، نتیجه یکسان است: «دستورها دیگر کار نمی‌کنند» و ساختار و کارکرد دولت و فرهنگ سازمانی آن نیازمند بازنگری بنیادین است.

بلاتکلیفی مجلس برسر لایحه بودجه ۱۴۰۲

۲

گزارشی از اقدام ابهام‌آمیز شهرداری نیشابور برای تبدیل یک باغ تاریخی به خیابان

ماجرای یک عرصه تاریخی در نیشابور

۱۰

برخی آمارهای اقتصاد کلان با وضعیت بازارها متفاوت است

آمارهای کاغذی

۴

تاریخ‌سازی «هادی چوپان» گرگ ایرانی، در آمریکا

۹

یادداشت

حقی قانونی به نام انتخاب وکیل

صالح نیکبخت
وکیل دادگستری

هر دادگاهی از پذیرش وکیل تعیینی اصحاب دعوی از جمله متهمان حوادث اخیر خودداری کند، اقدام او خلاف اصل ۳۵ قانون اساسی و مصوبه مهرماه ۱۳۷۰ مجمع تشخیص مصلحت نظام و سایر قوانین موضوعه است و قابل تعقیب انتظامی است. اصل ۳۵ قانون اساسی، حق انتخاب وکیل توسط اصحاب دعوی را مورد تأکید قرار داده و اعلام می‌دارد در همه دادگاه‌ها (حقوقی و کیفری) طرفین دعوی حق دارند برای خود وکیل انتخاب کنند. چنانچه اشخاص توانایی انتخاب وکیل را نداشته باشند، باید برای آنها امکانات تعیین وکیل فراهم شود.

ادامه در صفحه ۵

یادداشت

کامفیروزی؛ روایت تلاش ۲۵ ساله یک نسل

غلامحسین محمدی
فعال رسانه‌ای

بازداشت محمدعلی کامفیروزی فرصت خوبی است تا خیلی حرف‌ها را بشود به بهانه او و با صدای نسل متولد انقلاب زد و امثال او - یعنی فرزندان دهه۶۰ را که اکنون با چشمانی نگران وضعیت ایران را نظاره می‌کنند- به‌عنوان یک الگوی عینی معرفی کرد. الگوی عینی تلاش برای آزادی و برابری در ایران که هرچه بزرگ‌تر و رشیدتر شد، نه‌تنها محافظه‌کار نشد؛ بلکه صریح‌تر و پرتوان‌تر از گذشته کوشید و می‌کوشد. به قول رفیقی اغلب این دردانه‌ها را که اطرافمان هستند، ماه به ماه نمی‌دیدیم؛ ولی الان که نیست سخت دلتنگشان هستیم. من نیز به نوبه خود حس می‌کنم یک فعال مدنی و حقوقی را که کنارمان بود، الان در بند است. از خود می‌پرسم مگر شکل و قیافه فعالان مدنی چگونه است؟ ساده و بی‌آلایش و عموما پر از درد و زخم! که عباس دقیقا همین بود. و اکنون بازداشت او فرصت خیلی خوبی است که همه او را بشناسند. (محمدعلی کامفیروزی را از نوجوانی، خانواده و دوستانش عباس صدا می‌کنند). خیلی از جوان‌ها از ما که گویا وارد میانسالی شده‌ایم، این روزها مکرر می‌پرسند شما کجایید و چه می‌کنید؟ برنامه‌تان چیست؟ چرا خبری از شماها نیست؟ و ما حیرانیم که چرا چهره‌های برجسته نسل ما و این‌همه دوندگی‌های‌شان را نمی‌بینند؟ چرا عباس‌ها را نمی‌بینند که خودشان را وقف ایران و مردم کرده‌اند؟ و مهم‌تر اینکه چرا همین‌ها را الگویی برای تغییر وضع موجود نمی‌دانند؟ همین‌ها که این‌قدر صبورانه و دردمندانه بار خودشان و هزار آدم را برای رسیدن به مقصد با دست بسته برداشته‌اند.

با این تأملات خودم را قانع کردم که درباره عباس و بیوگرافی تلاش‌های او و نقشش برای نسل جوان بنویسم. آیا من فرد خوبی برای نوشتن چنین چیزی هستم؟ هم بله و هم خیر. بله چون ۲۵ سال با او رفاقت کرده‌ام و از نوجوانی نبض اندیشه و افکار سیاسی و اجتماعی‌اش و از همه مهم‌تر تطورات فکری‌اش را در دست داشته‌ام. بارها با او درباره نظراتمان مشاجره کرده‌ام و این را همه می‌دانند که من با عباس اختلاف‌نظرهای جدیی دارم و این خود باعث می‌شود درباره او غلو نکنم؛ حال آنکه این اختلاف سلایق ذره‌ای از رفاقت ما نکاست؛ چیزی که امروز بیش از هر زمانی کشور به آن احتیاج دارد. از قضا ما به دلیل همین اختلافات بیشتر هم گفت‌وگو می‌کردیم و عملا اندیشه یکدیگر را صیقل می‌دادیم. به نوعی معجزه گفت‌وگو را در تعمیق رفاقت‌ها و دلواپسی‌های‌مان دوچندان لمس می‌کردیم.

و خیر؛ به دلیل همین تنوع افکار که اشاره کردم و همه این سال‌ها در برخی موارد باعث شده درباره عملکرد او کمتر نظر بدهم. او هم خیلی اوقات من را که معروفم به اصلاح‌طلب نقد می‌کرد و مهم‌تر از همه در سال‌های اخیر نسبت به عملکرد عمومی اصلاحات به‌حق معترض بود؛ اما حس کردم فراتر از رفاقت و این حرف‌ها و تأملات، وظیفه شهروندی‌ام ایجاب می‌کند با حفظ تمام نقدها از فرصت حبس او برای ترویج روش او به‌خصوص برای جوان‌ترها استفاده کنم و بگویم آی مردم اگر دنبال جنس اصل و اصیل هستید که برایتان کاری کند و گامی بردارد، این شما و این عباس! نه کپی است و نه فیک! کاملا معمولی و قابل الگوبرداری.

پرده اول؛ عامدانه از دورترها شروع می‌کنم. عباس نوجوانی و جوانی‌اش تپل بود، همین ویژگی او را بانمک هم کرده بود. هیجان و حرارت خاصی در وجودش داشت. وقتی حرف می‌زد با انرژی وصف‌ناشدنی‌ای مخاطبش را میخکوب می‌کرد. بعدها رژیم گرفت و اندامش موزون شد.

ادامه در صفحه ۵